

ابن خلدون

سید مهدی حسینی

یادداشت‌هایی درباره طنز خوانی و طنزنویسی



۱۰. رفتارهای دفعتی و ناگهانی

اصولاً خندیدن به افراد کار درستی نیست. این جمله هم در نوع خود، ارزشمند و ستودنی است که: «با هم بخندیم نه به هم». اما برخی افراد که مثل شما ارزش خنده هدفمند را نمی‌دانند، به همین دلیل است که کاری می‌کنند تا موجبات خنده‌شان فراهم شود، ولو به قیمت سرکار گذاشتن دیگران.

نمونه بارز آن هم همین دوربین مخفی است که با ایجاد موقعیتی خاص، افراد را به واکنش‌هایی ناگهانی وامی‌دارد و در این میان، عده‌ای تماشا می‌کنند و به آن می‌خندند!

این همه توضیح و تفضیل را به این دلیل داشتیم که بگوییم این شیوه هم نوعی ابزار تحریک افراد به خنده است؛ نه با این هدف که بخواهیم آن را آموزش بدهیم (!) لطفاً جدی نگیرید!

۱۱. تکرار غیر معقول در گفتار و رفتار

از قدیم گفته‌اند: هر چیز به جای خویش نیکوست. تکرار هم همین طور!

اگر واژه‌ای در گفتار، بی‌محابا و بدون دقت بکار برود، زمینه خنده را برای دیگران فراهم می‌کند. مثلاً اگر شخصی در لابلای کلامش دائم واژه «مثلاً» را به کاربرد، تکراری غیرمعقول است؛ یا به فرض در حال حرف زدن دست‌ها یا لب و دهان را دائم به حالتی خاص حرکت دهد و شکل خاصی را تداعی کند، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و این تکرار رفتار باعث خنده می‌شود.

نکته پایانی

باز هم تأکید می‌کنیم در این بخش قصد تقسیم‌بندی‌های آن‌چنانی و اظهار فصل... نداشتیم؛ می‌خواستیم نمونه‌هایی از اسباب ایجاد خنده را برشماریم؛ در این که موفق به این کار شدیم یا نه، بستگی دارد به نظر شمای مخاطب.

نکته دیگر این که، تقریباً تمامی نمونه‌های یاد شده جزو شگردهای بیانی و تکنیک‌های ایجاد طنز در کلام است و ما مجبوریم در بخش تکنیک‌ها و شگردهای طنز مجدداً به آنها اشاره کنیم. این را نوشتیم تا آن را به حساب تکرار غیرمعقول، یا آب بستن به کتاب و... مگذارید.

۸. تفاوت فرهنگ‌ها

برخی واژه‌ها ظرفیت معنایی یکسانی در میان همه گویش‌ها و لهجه‌ها دارند؛ هر چند ممکن است تلفظ آن در مناطق مختلف، متفاوت باشد. بعضی واژه‌ها و کنایات نیز بنا به فرهنگ هر قوم و قبیله‌ای، محمل معنای خاصی شده‌اند.

بعضی واژه‌ها - که مثل نقل و نبات در دهان ما مصرف می‌شود - در بعضی از مناطق، اگر ناپهنگام به کار رود چه بسا باعث خون و خونریزی شود (!) مثلاً واژه «نامرد» که به شوخی - گاه - به هم می‌گوییم و قصدی از کاربرد آن نداریم، در میان هم‌وطنان جنوب کشور مفهوم بسیار بد و سنگینی دارد.

در خارج از مرزهای ایران و در برخی از کشورهای فارسی زبان قصه پیچیده‌تر و جالب‌تر می‌شود.

یکی از دوستان تعریف می‌کرد در تاجیکستان از کسی نشانی محلی را پرسیدم؛ گفت: «راست می‌شوی و سپس قر می‌دهی به سمت چپ» من از وضع حرف زدن او خنده‌ام گرفت و به سختی خود را کنترل کردم! بله. تغییر فرهنگ‌ها گاه باعث خنده هم می‌شود. ما به جای راست، واژه «مستقیم» به کار می‌بریم و به جای «می‌شوی» می‌گوییم «می‌روی» و هیچ‌گاه به جای «پیچیدن» واژه «قر دادن» را به کار نمی‌بریم و البته از به کار بردن آن به خنده هم می‌افتیم؛ هر چند شکل صحیح و درست واژگان، همان است که آن پارسی زبان گفته است!

نمونه‌های دیگرش را هم خودتان بگردید و پیدا کنید!

۹. نامتناسب‌ها و متناقض‌ها

حتماً این جمله را شنیده‌اید که: «فلانی به ترک دیوار

هم می‌خندد»

هر چند این جمله برای اهل مزاح بیان شده، اما واقعیتی در نهان این کلام نهفته است. برآستی هر انسانی در نگاه اول از تماشای ترک دیوار به خنده می‌افتد؟! (به سطح خنده یا میزان توجه فرد، کاری نداریم؛ لطفاً گیر ندهید!) اما چرا به خنده می‌افتد؟ چون با نوعی بی‌تناسبی مواجه شده است!

مثال دیگری می‌زنم:

تصور کنید فردی بسیار چاق، صدایی بسیار نازک و دخترانه داشته باشد. قطعاً هر کس بار اول صدای او را بشنود و او را با آن هیکل بزرگ مقایسه کند از این بی‌تناسبی به خنده می‌افتد؛ می‌گویید نه، امتحان کنید! حالت عکس آن هم وجود دارد. اگر فردی اندامی لاغر و مردنی داشته باشد و صدایی کلفت و دورگه و کاملاً مردانه... این هم نوعی بی‌تناسبی است.

امروزه این بی‌تناسبی، تکنیک و شگردی است برای دوبلورها که جهت خنداندن مخاطب، صدایی نامتناسب بر روی شخصیت فیلم می‌گذارند. کاریکاتوریست‌ها نیز برای تحریک مخاطب، تناسبات قد و قامت و چهره شخص را برهم می‌ریزند تا اثر از حالت نقاشی خارج شود و حالت کمیک پیدا کند.

از دیگر نمونه‌های تناقض و نامتناسبی، عنوان‌هایی است که به صورت معکوس برای افراد به کار می‌رود. مثلاً اگر به فرد بی‌مویی «زلف‌علی» بگوییم، یا انسان بی‌قوارهای را «خوش تیپ» صدا بزنیم مخاطب وقتی متوجه این تناقض می‌شود و بی‌اختیار دچار خنده می‌شود.

حتماً مستحضربید که این نوع خنده، هدفمند نیست و بوی هجو و استهزاء از آن به مشام انسان‌های آگاه می‌رسد!